
عوامل تأثیرگذار بر اصلاحات سیاسی در عربستان سعودی با تأکید بر موقعیت شیعیان عربستان

محمد جمیری*

دیباچه

از میان شیعیان ساکن در حوزه خلیج فارس، شیعیان عربستان از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند. این دسته از شیعیان اقلیت قابل توجهی، از جمعیت عربستان سعودی را تشکیل می‌دهند. اهمیت این گروه شیعی به واسطه نوع رابطه ایران انقلابی و عربستان سعودی و نیز مقابله آیین وهابیت با شیعه امامیه قابل تأمل است. تحولات منطقه‌ای مثل جنگ‌های یکم و دوم خلیج فارس، اشغال افغانستان و عراق توسط امریکا، روی کار آمدن دولت شیعی در عراق، پیروزی حزب‌الله در لبنان و غیره بر موضع‌گیری‌های این جنبش و دولت سعودی نسبت به یکدیگر مهم بوده است. در این نوشتار برآنیم

* کارشناس ارشد علوم سیاسی از دانشگاه امام صادق(ع). (farhad.faraso@yahoo.com)

پذیرش: ۱۳۹۰/۹/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۶/۱

فصلنامه مطالعات بین‌المللی (ISJ)، سال هشتم، شماره ۳، زمستان ۱۳۹۰، صص ۱۷۵-۱۴۷.

تا به بررسی چگونگی انجام و روند اصلاحات در صحنه سیاسی و اجتماعی عربستان با تأکید بر وضعیت شیعیان بپردازیم. فرضیه این نوشتار بر این پایه استوار است که برخی عوامل درون گروهی شیعی مانند وجود انشعاب در جامعه شیعی عربستان و اختلافات موجود میان رهبران اقلیت شیعه، وجود تعدادی عوامل داخلی کشور عربستان مانند اختلاف نهاد رسمی سیاسی به رهبری آل سعود و نهاد دینی به رهبری علمای وهابی در موضع‌گیری پیرامون شیعیان و همچنین عوامل خارجی همچون تأسیس دولت‌هایی دموکراتیک در عراق و افغانستان و نحوه مواجهه امریکا با دولت‌های عربی به خصوص عربستان در رابطه با ایجاد اصلاحات سیاسی بر موفقیت و یا عدم موفقیت اصلاحات سیاسی - اجتماعی و به‌خصوص اعتقادی در عربستان و در رابطه با شیعیان مؤثر بوده است.

برای بررسی روند تأثیرگذاری و تأثیر پذیری اقلیت شیعه در عربستان ابتدا لازم است تا تحولات درون گروهی این اجتماع قدرتمند را بررسی نمود. از آنجا که انقلاب اسلامی ایران به‌عنوان حلقه تکاملی عینیت بخشی به اندیشه سیاسی دینی و نقطه عطفی در تاریخ مبارزات سیاسی نهضت‌های رهایی بخش در دنیای اسلام به شمار می‌آید، شروع حرکت جدی و تأثیرگذار اقلیت شیعه عربستان نیز جدای از این انقلاب نبوده است. شیعیان عربستان در کنار شیعیان سایر نقاط خاورمیانه بیش از سایر گروه‌های اسلامی با نهضت دینی مردم ایران احساس قرابت می‌کردند از همین روی بیش از دیگران به آن استقبال نشان دادند. از سوی دیگر این نکته کلیدی را نباید از نظر دور داشت که هر نوع تحول در ابعاد سیاسی و اجتماعی عربستان سعودی به نحو چشمگیری با تحولات جهانی و منطقه‌ای ارتباط مستقیم دارد. و به‌صورت جزئی‌تر هر نوع تحول سیاسی و اجتماعی درونی و بیرونی این کشور به نوبه خود به گروه‌های زیر ملی و از جمله مهمترین این گروه‌ها یعنی شیعیان تأثیر خواهد گذاشت.

۱. جغرافیای سکونت شیعیان

از آنجا که محل سکونت شیعیان از مهم‌ترین مناطق انرژی زای دنیا می‌باشد لازم است تا ابتدا نمایی کوتاه از سکونت و وضعیت سیاسی و اجتماعی شیعه عربستان بیان شود. آنچه از بررسی‌های تاریخی بر می‌آید این نکته را مشخص نموده که سکونت گاه شیعیان در شهر مدینه بوده و بعدها در سراسر حجاز، عراق و سایر جغرافیای اسلامی به دلایل مختلف پراکنده شده‌اند. (محررمی، ۱۳۸۲: ۱۶۵) هم اکنون نه مدینه و نه مکه هیچ‌یک به‌عنوان کانون سکونت شیعه در عربستان محسوب نمی‌شود. بلکه منطقه شرقیه مهم‌ترین نقطه اجتماع زندگی شیعیان محسوب می‌شود. در این باره که شیعیان به چه نحو در این منطقه سکنی گزیده‌اند چند نظر وجود دارد. یک دیدگاه متعلق به حمزه حسن نویسنده شیعی عربستانی می‌باشد. به باور وی نخست، شیعه در زمان حیات خود پیامبر (ص) وجود داشته است و دوم، پیامبر یکی از صحابی خود که در محبت علی ابن ابی طالب نیز مشهور بوده است را به‌عنوان حاکم و مسئول بیت المال به منطقه بحرین فرستاده است. باید گفته شود که منطقه احساء و قطیف در زمان مورد نظر تحت حاکمیت بحرین بوده است. (حسن، ۱۹۹۳: ۱۶) در برابر این نظریه فرانسوا توال مستشرق غربی بر این باور است که «بخش قابل توجهی از شیعیان حجاز در مناطق شرقی به خصوص منطبق الاحساء و قطیف اسکان دارند. پیشینه حضور این دسته از شیعیان در این منطقه به قرن ۴ هجری قمری و در زمان حکومت آل بویه باز می‌گردد. آل بویه که خود شیعه مذهب بودند با مراودات خود با ساکنان این ناحیه مردم منطقه شرقیه را نیز به آیین شیعه درآوردند.» (توال، ۱۳۸۰: ۹۱) در دوره‌ای که حکومت سعودی به‌وجود آمده است دو شهر بزرگ در این ناحیه ساخته شد به نام‌های ظهران و دمام. هم‌اکنون بسیاری از روستاها و قصبات و ساکنان این دو شهر نیز شیعه می‌باشند. (جعفریان، ۱۳۸۸: ۴۲۵) مهم‌ترین مخازن نفتی عربستان و جهان در مناطق شیعه‌شین شرقی عربستان قرار دارد. بنابر اطلاعات موجود تا ژانویه ۲۰۱۱ ذخایر نفتی اثبات شده عربستان سعودی، ۲۶۰ میلیارد بشکه تخمین زده شده است. به این رقم باید ۲ میلیارد

بشکه نفت اثبات شده در منطقه بی‌طرف کویت با عربستان را نیز بیافزایم. بنابر اعلام رسمی شرکت نفتی آرامکو ظرفیت تولید نفت این کشور در روز تا ۱۲ میلیون بشکه در روز نیز وجود دارد. بزرگ‌ترین میدان نفتی جهان به نام قوار با ۶۰ میلیارد بشکه نفت ذخیره در منطقه شرقیه و در ناحیه الاحساء قرار دارد. (اسدی، ۱۳۸۱: ۲۶۳-۲۶۵) این موضوع خود برای حکومت سعودی تبدیل به یک تهدید شده تا آنجا که پس از انقلاب اسلامی در ایران از تعداد کارکنان شیعی در تأسیسات نفتی کاسته شده است.

۲. شیعیان عربستان پیش و پس از انقلاب اسلامی

پس از سیطره خاندان سعودی بر مناطق مرکزی، جنوبی و شمالی حجاز نوبت به مناطق شیعه‌نشین شرق رسیده بود. اشغال احساء (منطقه شرقیه) به معنی سیطره حکومت سعودی بر ساحل دریایی، از کویت تا امارت بود، از تمامی جزایر و ثروت‌ها که در آن مناطق وجود داشت. همچنین اشغال این مناطق به معنای سلطه بر حاصل خیزترین مناطق از استان‌های عربستان از نظر کشاورزی و محصول و فراوانی منابع آب در شبه‌جزیره عربستان بود. (حسن، ۲۰۱۰: ۳۱۵) شیعیان از این پس اندک آزادی‌های سیاسی - اجتماعی و اعتقادی خود را نیز از که در حکومت سنی مذهب عثمانی داشتند از دست دادند. بدین ترتیب از همان زمان تسلط حکومت بر مناطق شرقی، اقلیت شیعه در این کشور مورد تبعیض قرار گرفت. در همین حال و مقارن با دوره حکومت ابن سعود، هنگامی که وی شرع حنبلی را در تمامی سرزمین خود به رسمیت شناخت، شیعیان به اجبار با حکومت سعودی حنبلی (وهابی) بیعت نموده و از انجام شعائر خود منع شدند. سال ۱۹۱۳ حکومت خاندان سعودی سومین و رسمی‌ترین مرحله از حکومت خود را آغاز نمود در این مرحله شیعیان از مبارزه و رویارویی نظامی دست کشیده و در عوض خود را تسلیم حکومت سعودی نمودند اما در مقابل ابن سعود بر میزان سخت‌گیری‌های خود نسبت این گروه افزود. از همین سال تا ۱۹۷۰ مرحله‌ای شدید از تحمیل شکنجه‌ها و آزارها علیه شیعیان به وقوع پیوست که در عرصه‌هایی

همچون محرومیت اقتصادی، محرومیت‌های سیاسی، محرومیت‌های مذهبی، و نادیده گرفتن حقوق شهروندی به منصفه ظهور رسیده است. (ابراهیم، ۱۳۸۶: ۶۱) با این حال و به گفته یکی از فعالان شیعی بسیاری از حرکات اعتراضی با هر ماهیتی از منطقه شرقیه نشأت گرفته است. می‌توان ادعا نمود که تمام حرکات اصلی اعم از کمونیستی، قومی، بعثی و شیعی از منطقه شرقیه شروع شده است. تأثیر نهضت مصر نیز در ابتدا در مناطق شرقیه قابل مشاهده بوده است اما پس از انقلاب اسلامی جمیع حرکات غیردینی به حرکات دینی تغییر ماهیت دادند.^۱

با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و خیزش اسلامی در سایه این انقلاب در منطقه، و درحالی‌که امواج انقلاب به کشورهای خلیج فارس نیز رسیده بود گروه‌های شیعی در صدد سازماندهی مجدد برآمدند و با ایجاد تشکلاتی جدید گام در راه احقاق حقوق خود و مبارزه با دولت سعودی نهادند. یکی از این سازمان‌ها، سازمان انقلاب اسلامی به رهبری شیخ حسن صفار بود. صفار و همراهانش که تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی تحت نظر حرکت الرسالین یا همان جنبش مبلغان طلایه دار به رهبری آیت‌الله شیرازی در عراق و کویت فعالیت می‌کردند اکنون در فضای به‌وجود آمده به‌دنبال فعالیت‌های سازماندهی شده‌ای در زمینه‌های آموزشی، تربیتی، نظامی، سیاسی و کادرسازی در عربستان بودند. (ابراهیم، ۱۳۸۷: ۱۰۱) مهم‌ترین برنامه این سازمان که در سال ۱۹۷۹ و تنها چند ماه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران رخ داد تظاهرات عاشورا یا انتفاضه عاشورا بود که طی آن پس از چند دهه برای نخستین بار شیعیان منطقه شرقیه در اقدامی هماهنگ توانستند مراسم عزاداری امام حسین (ع) را در مساجد و خیابان‌ها و به‌صورت عمومی برگزار نمایند که البته طی این تظاهرات چندین تن کشته و زخمی شدند. پس از این ماجرا و با توجه به گسترش دامنه‌های انقلاب اسلامی به برخی کشورهای منطقه و جنگ عراق و ایران، شیعیان با شدت بیشتری تحت کنترل قرار گرفتند به نحوی که در سال ۱۹۸۲ موج جدید سرکوبی شیعیان در عربستان شروع

۱. مصاحبه نگارنده با زکی میلاد سردبیر مجله الکلمه. ۱۳۸۷/۱۲/۱۸.

شد که خود باعث خروج بسیاری از اعضاء مؤثر شیعه به خارج از کشور گردید. پلیس امنیتی سعودی، شکنجه‌های زیادی را بر اعضای دستگیر شده تحمیل کرده بود به طوری که بعضی دچار معلولیت دائمی شده و برخی نیز جان خود را از دست دادند. (ابراهیم، ۱۳۸۶: ۷۵) تداوم این روند شکنجه و سرکوب از یک سو و از طرف دیگر خروج رهبران شیعه از عربستان باعث شد تا پایان جنگ ایران و عراق و ابتدای دهه ۱۹۹۰، شیعیان نتوانند خواسته‌های خود را در کشورشان بیان کنند.

۳. دهه ۱۹۹۰، دهه آرامش و اصلاحات

با برقراری نسبی آرامش در منطقه خلیج فارس و پایان یافتن سه جنگ، در این منطقه - جنگ ایران و عراق، جنگ عراق و کویت و در نهایت جنگ آمریکا و عراق - ثبات حاکمیتی به کشورهای منطقه بازگشت. برقراری ثبات در روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی باعث شد تا بسیاری از روحانیون شیعه که در دهه ۱۹۸۰ از کشور گریخته بودند به عربستان بازگشته و به دنبال احیای حقوق خود برآیند. نکته‌ای که در این میان حائز اهمیت می‌باشد این است که رژیم سعودی پس از افشاگری‌های شیعیان در اروپا و آمریکا درباره مسائلی مانند نادیده گرفتن حقوق اقلیت‌ها و تبعیض علیه شیعیان به شدت تحت فشار مجامع حقوق بشری و افکار عمومی غربی قرار گرفت. بر همین اساس برخی از تحلیلگران معتقدند که حکومت خود از رهبران در تبعید درخواست نمود تا به کشورشان بازگردند. این نکته خود در پیگیری مطالبات شیعیان و حمایت از آنها بسیار مؤثر بوده است.^۱ نمونه این دفاتر تشکیلات صفار در واشنگتن بود که با عنوان کمیته دفاع از حقوق بشر در خلیج فارس و شبه جزیره عربی دور جدیدی از فعالیت‌های خود را آغاز نمود بود. (ابراهیم، ۱۳۸۶: ۱۶۵) این کمیته در ادامه فعالیت‌های خود در سال ۱۹۹۲ کمیته حقوق بشر وکلای «مینه سوتا» را ترغیب نمود تا عنوان گزارش خود را «نگ در خاندان سعودی قرار دهد.» (ابراهیم، ۱۳۸۶: ۱۸۴) این

۱. مصاحبه نگارنده با احمدزاده کارشناس عربستان در وزارت امور خارجه. ۱/۴/۱۳۸۹

گزارش نگرش رژیم سعودی در قبال شیعیان، زنان و کارگران خارجی را تقبیح نمود. در اوائل دهه ۹۰ میلادی این کمیته با دیدبان حقوق بشر و سازمان‌های حقوق بشری رابطه تنگاتنگی داشت و با ارائه آمار و اسناد از آنها در خواست کمک کرد تا اینکه بالاخره در اثر فشارهای همین گروه و برای اولین بار در سال ۲۰۰۸ مسئولان سعودی به سازمان‌های حقوق بشری اجازه دادند تا وضعیت حقوق بشر عربستان را در مورد زنان، ایجاد فرصتهای شغلی، تعلیم و تربیت و اقلیت شیعه بررسی کنند.

این فشارها تا آنجا پیش رفت که توانست شاهزاده بندر بن سلطان را برای دیدار با اعضای کمیته که شامل جعفر الشایب، عیسی مزعل و علی شویخات بودند در سال ۱۹۹۰ متقاعد سازد. شاهزاده بندر نیز در این دیدار از تشکیل مجلس شورا و برگزاری انتخابات سخن گفت که خود نشان دهنده انعطاف حکومت سعودی در قبال این جنبش بود همچنین اعضای کمیته بین سالهای ۹۰ تا ۹۳ از طرف مقامات سعودی که به امریکا سفر می‌کردند برای دیدار دعوت می‌شدند. (ابراهیم، ۱۳۸۶: ۱۸۹) به هر ترتیب این افشاگری‌ها که از ناحیه جریان شیرازی یا همان صفار اداره می‌شد به حدی بود که در سال ۱۹۹۳ دولت سعودی از رهبران اپوزیسیون شیعه خواست که به کشور خود بازگردند. بدین ترتیب حکومت وهابی متعهد شد که در صورت اعلام وفادار رهبران اپوزیسیون شیعه به حکومت سعودی دولت نیز اجازه انتشار کتب شیعه، آزادی زندانیان سیاسی شیعه و کاهش تبلیغات ضد شیعی را عملی خواهد کرد و شرایط مساوی با سنی‌ها را جهت کار و اشتغال برای شیعیان فراهم نماید. البته تحلیل دیگر نیز در همین زمینه یعنی بازگشت صفار به عربستان وجود دارد که متعلق به فولر و رنکه می‌باشد. این دو پژوهشگر معتقدند در پی تحولات جنگ عراق و کویت و سپس حضور نظامی امریکا در عربستان، برخی از علمای وهابی در اعتراض به حضور مشرکان در سرزمینشان به خارج از کشور پناهنده شده و علیه سران سعودی در این باره افشاگری نمودند. با افزایش افشاگری‌ها علیه دولت از دو ناحیه علمای وهابی و شیعیان دولت فهد تصمیم گرفت تا از ناحیه شیعه فشار بر خود را بکاهد. بدین ترتیب از فعالان شیعی

دعوت نمود تا وارد کشور شوند. فهد اندکی نسبت به شیعیان ملایمت نشان داد که به معنای اعطای آزادی نبود از جانب دیگر هم صفار به گفت‌وگوی با دولت تمایل نشان داد. (فولر، ۱۳۸۴: ۳۷۰-۳۷۱)

۱-۳. در خواست اصلاحات و انشعاب از درون

همان‌گونه که پیشتر نیز توضیح داده شد حداقل اصلاحاتی که در فضای عربستان رخ داده است از دو ناحیه بوده است. از یک سو مطابق با درخواست‌های شیعیان بوده است و از یک جنبه نیز در پی تحولات منطقه‌ای و جهانی و توسط دولت عربستان به اجرا درآمده است. هر دو دسته اصلاحات نیز به صورت مستقیم با شیعیان در ارتباط بوده است. در بخش نخست به آن دسته از اصلاحاتی می‌پردازیم که شیعیان متمایل به آن بوده‌اند. ذکر این نکته لازم است که استفاده مطلق از شیعه در این بخش به معنای همراهی تمامی گروه‌های شیعه برای انجام اصلاحات نیست و تنها بخشی از ایشان را در بر می‌گیرد که در ادامه به این موضوع پرداخته خواهد شد.

در اوایل سال ۱۹۹۱ سازمان انقلاب اسلامی که تحت رهبری شیخ صفار بزرگ‌ترین تشکل شیعی مبارز را بنیان نهاده بود و اکنون در اروپا و امریکا به سر می‌بردند در راستای حذف لحن انقلابی و مذهبی خود به جنبش اصلاحیه تغییر نام داد. این جنبش توانسته بود تا خود را از سایه مرجعیت شیرازی رها کرده و در همین جهت انتقادات بسیاری را از جریان الرسالیه متوجه خود نماید. صفار به دنبال این بود تا در ساختار سیاسی عربستان برای خود جایی باز کند. در ادامه روند کار جنبش اصلاحیه، یک شورای ۴۰ نفره در این جنبش ایجاد شد که نسبت به رهبری صفار اعتراض نموده و طبق رأی‌گیری شیخ توفیق السیف را به‌عنوان رئیس جدید تشکیلات برگزیدند. (ابراهیم، ۱۳۸۶: ۱۷۲) تحول در جنبش باعث شده بود تا نوعی مصالحه میان گفتمان مذهبی و مدرن به وجود آید. و دیگر اینکه هرچند که جنبش اسلام را به‌عنوان منبع اصلی مشروعیت برگزیده بود اما در دوران جدید خود به مبانی حقوق بشری غربی

نزدیک شده بود. (ابراهیم، ۱۳۸۶: ۱۷۳) جریان صفار با این عمل خود نشان داد که حکومت را به رسمیت شناخته و مایل به ادامه فعالیت خود درون مرزهای کشور پادشاهی سعودی باشد.

در نهایت شیخ حسن صفار در سال ۱۹۹۳ وارد عربستان شده و در جلسه‌ای که با حضور ملک فهد برگزار شد، مهم‌ترین خواسته‌های خود را به دولت ارائه نمود. جنبش اصلاح طلب ثابت نمود که در طول سال‌های ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۳ یکی از بازیگران اصلی در صحنه سیاست سعودی بود. (ابراهیم، ۱۳۸۷: ۲۳۵) در پی نخستین مذاکره که در سال اکتبر ۱۹۹۳ برگزار شد دولت سعودی از صفار درخواست نمود تا ضمن عدم انتشار نشریه الجزیره العربیه که به بیان نقض حقوق بشر در عربستان می‌پرداخت، خواسته‌های شیعیان را بپذیرد. صفار نیز متعهد شد تا دو ماه پس از این مذاکره که نتایج آن مشخص خواهد شد، از انتشار نشریه خودداری ورزد. (ابراهیم، ۱۳۸۷: ۲۴۱) بدین ترتیب صفار لیستی از درخواست‌های خود را به شاه فهد ارائه نمود. لیست درخواست‌ها عبارت بود از:

- به رسمیت شناختن فرقه شیعه به منزله یک فرقه اسلامی
- آزادی عبادات شیعه و ساخت مسجد و حسینیه و بازسازی قبور امامان شیعه
- لزوم تعلیم معارف شیعی در مدارس مناطق شیعه‌نشین
- آزادی تأسیس حوزه‌های علمیه و مدارس مذهبی شیعی
- آزادی بیان شیعی از جمله وارد کردن کتب شیعی و داشتن نشریه
- توقف مبارزات ضد شیعی و محکومیت‌های فرقه‌ای
- اعطای قدرتی همسان با دادگاه‌های سنی در دادگاه‌های شیعی
- آزادی شعائر شیعی
- فرصت‌های برابر به‌ویژه در ورود به دانشگاه‌ها، موسسات آموزشی، اشتغال در ادارات دولتی و غیره برای شیعیان
- احداث زیرساخت‌های بهتر در مناطق شیعی (فولر، ۱۳۸۴: ۳۷۰-۳۷۱)

طبیعی بود که دولت سعودی بسیاری از اصول درخواستی را پذیرا نباشد چرا که ارتباط مستقیم با ایدئولوژی وهابیت داشت. رژیم تنها چهار مورد را پذیرفت:

- چهل زندانی شیعی که برخی از آنها محکوم به اعدام بودند آزاد شدند.
- برای تبعیدی‌های شیعه که مایل به بازگشت به وطن بودند گذرنامه صادر شد.
- با ورود نشریات شیعی و کتب نویسندگان شیعه موافقت شد.
- و درباره ممنوعیت رفت و آمد ۲۰۰۰ شیعه به سعودی بازنگری آغاز شد.

(فولر، ۱۳۸۴: ۳۷۲)

در ادامه توافقات به وجود آمده بین گروه اصلاحیه و دولت در سال ۱۹۹۳، ملک فهد برای نخستین بار در تاریخ دولت سعودی مجلس مشورتی قانون اساسی را با انتصاب ۲۰۰ نماینده راه اندازی نمود، تنها یک نماینده از شیعیان در این مجلس کاملاً مشورتی حضور داشت. (Crisis Group, 2005) یک دیدگاه معتقد به این است که سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران پس از جنگ به این نتیجه رسید که نحوه تعاملش را با جنبش‌ها و حرکت‌های اسلامی تغییر دهد. به همین خاطر در ترغیب جریان اصلاحیه برای گفت‌وگو و مذاکره با حکومت سعودی مؤثر بوده است. ضمن اینکه گروه‌های دیگر شیعه نیز این خط‌مشی جریان را اصلاحیه را نپذیرفته و به رهبری افرادی همانند شیخ حسن النمر همچنان به مبارزه با حکومت معتقد هستند. از سوی دیگر صفار و همراهانش معتقد بودند که با درگیری و خشونت هیچ کاری از پیش نمی‌رود و حقوق شیعیان برآورده نخواهد شد.^۱

در همین جهت شیخ صفار در ادامه مصالحه خود با رژیم به صورت فعال در نشست‌های ملی «الحوار الوطنی» که با حضور ملک عبدالله ولیعهد هم برگزار می‌شد شرکت می‌نمود. در این جلسات راجع به حقوق شیعیان نیز بحث و تبادل نظر صورت می‌گرفت. ملک عبدالله در این رابطه به وزیر کشور در راستای کاهش فشارها به شیعیان دستوراتی را داد که البته هیچ‌گاه عملی نشد. هدف از برگزاری الحوار الوطنی رسیدن

۱. مصاحبه نگارنده با ربانی مدیر کل عربی آفریقای مجمع جهانی اهل بیت. ۱۳۸۹/۳/۷

به اشتراکات ملی بود. این گفت‌وگوها حتی در زمان پادشاهی خود عبدالله نیز ادامه یافت. ملک عبدالله با تأکید بر اینکه « همه ما فرزندان وطن » هستیم خواست بین شیعیان و سنی‌ها وحدتی حداقلی را ایجاد نماید. شیخ صفار در توافقی با شیخ عایض القرنی که از چهره‌های دانشگاهی و ملایم سنی است خواستند به این توافقات جامعه عمل پوشانند. مجمع جهانی اهل بیت که مسولیت ارتباط با بخشی از جنبش‌های اسلامی خارج از کشور را بر عهده دارد به صورت رسمی و با انتشار بیانیه‌ای حمایت خود را اعلام نمود. که حکایت از موضع رسمی جمهوری اسلامی ایران داشت. باید گفته شود که همه این توافقات باز هم با اقتدار نهاد دینی (وهابیت) در عربستان به حاشیه رانده شد.^۱

لازم به ذکر است که جریان شیعی مخالف سازش نیز صفار را مورد انتقادات فراوانی قرار داده است. شیخ محمد عبدالعظیم الحسین که خود از روحانیون مخالف سازش و جریان صفار است در این رابطه می‌گوید: «شیخ صفار ۱۴ سال مخالف نظام سعودی بوده و خارج از عربستان از جمله مدتی در ایران به فعالیت‌های خود ادامه می‌داده است. در این مدت واقعا رژیم را خسته کرده بود، منتها او و همراهانش در نیمه دهه ۱۹۹۰ میلادی اعلام نمودند که از مبارزه با رژیم خسته شده‌ایم و به وطن بازگشتند. صفار به جامعه شیعی عربستان اعلام نمود که تصمیم به گشودن جبهه جدیدی علیه حکومت با هدف احقاق حقوق شیعه را دارد.» «با این وجود وی به گفت‌وگو با حکومت روی آورد و در گفت‌وگوهای ملی که در ریاض و جده زمان فهد آغاز گردید شرکت نمود. رسانه‌های سعودی با اشتیاق فراوان وانمود کردند که بین دولت و شیعیان سازش به عمل آمده است و این در حالی بود که در عرصه عمل، هیچ دستاوردی برای شیعه به وجود نیامده است. اما صفار بر این باور بود که ۱۴ سال مبارزه نمودیم بدون اینکه کوچک‌ترین امتیازی به دست بیاوریم به همین خاطر به گفت‌وگو روی آورده‌ایم. اکنون ۱۵ سال است که وی مشغول گفت‌وگو است. باید این سوال را

۱. مصاحبه نگارنده با خاک رند کارشناس شیعیان حوزه خلیج فارس در مجمع جهانی اهل بیت. ۱۳۸۹/۳/۷

از او پرسید که در زمان مخالفت سازمان‌های حقوق بشری را از وضعیت شیعیان مطلع می‌نمود اما اکنون چه چیزی به دست آورده است؟ صفار معتقد است همین که الان می‌توانیم با اعضای خاندان سلطنتی و خود شاه ملاقات کنیم این خود به معنای یک امتیاز است. گروه مخالف نیز معتقد است که وی تنها توانسته است موقعیت خود را تحکیم بخشد و جایگاه عمومی شیعه هیچ‌گونه ارتقایی نیافته است.^۱

۱-۱-۳. پیامدهای اصلاح‌طلبی برای شیعیان

با نگاهی به تبعیض‌های صورت گرفته علیه شیعیان پس از مصالحه تاکنون می‌توان به فراست دریافت که هیچ نوع نرمشی نسبت به شیعه به وجود نیامده است. اکنون باید به این نکته پرداخت که آیا مذاکره و سازش، نتیجه‌ای را برای شیعیان در پی داشته و آیا تأثیر مثبتی بر زندگی شیعیان عربستان گذاشته است. از بررسی منابع مختلف به هیچ نتیجه مثبتی نمی‌رسیم. براساس گزارش گروه بین‌المللی بحران شیعیان همچنان از استخدام در امور اداری محروم هستند. یکی از آشکارترین تبعیض‌های صورت گرفته علیه شیعیان، تبعیض رواداشتن نسبت به آنها در استخدام امور اداری بوده است. هیچ یک از شیعیان در کابینه سلطنتی حضور ندارند. تنها بین سال‌های ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۳ یک سفیر شیعه از عربستان راهی ایران شد. نام سفیر جلیل الجشی بود. (Crisis Group, 2005) یکی از معارضین حکومت سعودی معتقد است که سفیر عربستان در ایران یک شیعه لیبرال بوده است.^۲ در زمینه آموزشی نیز بیش از نیمی از دانشگاه‌ها از پذیرش دانشجویان شیعه خودداری می‌ورزند. فرزندان شیعه این‌گونه تبعیض‌ها را حتی از دوران کودکی خود حس می‌کنند. بسیاری از آنان از رفتن به مدرسه به دلیل نبودن مدرسه در منطقه زندگیشان محروم هستند. (the committee for the defens of human rights in the Arabian peninsula.2009) در همین زمینه گروه بین‌المللی بحران گزارش داد که از جمله تبعیض‌هایی که برای شیعیان بسیار مورد

۱. مصاحبه نگارنده با شیخ محمد عبد العظیم الحسین، معارض شیعی سعودی، ۱۳۸۹/۳/۱۲
 ۲. مصاحبه نگارنده با سید علی موسوی معارض شیعی سعودی، ۱۳۸۹/۳/۱۲

شکایت بوده، در مباحث آموزشی است. دانش آموزان از فضای باز تخریب مذهبی توسط آموزگاران سنی خود به شدت ناخرسند هستند. معلم‌ها علناً آنها را رافضی، مشرک و کافر می‌خوانند. (Crisis Group, 2005)

معلمی یکی از اندک مشاغلی است که در این کشور برای زنان مجاز است. هرچند که معلم شدن برای زنان شیعه مجاز نبوده است اما در سال‌های اخیر این ممنوعیت لغو شده است. با این وجود برای آنان که معلم می‌شوند مناطقی دوردست معرفی می‌شود. زنان شیعه نیز برای اعلام خودمختاری و اظهار نوعی مخالفت با چنین جامعه سخت‌گیری این فرصت را از دست نمی‌دهند. (فولر، ۱۳۸۴: ۲۶۳) تنها پس از مرگ فهد و روی کار آمدن عبدالله بوده که معلمان مدارس توانسته‌اند شیعه باشند و تا پیش از آن سنی بوده‌اند. (فولر، ۱۳۸۴: ۲۶۳)

گفتنی است که این دست از معلمان نیز تنها دروس تخصصی رشته‌هایی همچون فیزیک، ریاضیات و... را تدریس می‌کنند و به هیچ‌وجه اجازه تدریس دروس معارف را حتی در مناطق شیعه‌نشین ندارند. در زمینه مذهبی نیز باید اذعان نمود که همچنان تبعیض‌ها علیه شیعه به قوت خود باقی است. سربازان وهابی در ۷ ژانویه ۲۰۰۹ چند محل عزاداری امام حسین (ع) را در منطقه قطیف بستند. همچنین تعدادی از عزادارانی که به نصب تراکت تبلیغاتی و بنرهای عزاداری مشغول بودند را دستگیر نمودند.

در احساء نیز سربازان سعودی در ۸ ژانویه ۲۰۰۹ مسجد السبتین را که عزاداران امام حسین (ع) در آن حضور داشتند تعطیل نمودند. این قبیل بستن‌ها زیاد رخ داده که شرح کامل آن را می‌توان در گزارش‌های سالانه کمیته دفاع از حقوق بشر در شبه جزیره عربستان ملاحظه نمود. از آخرین حملاتی که توسط مأموران هیأت امر به معروف و نهی از منکر علیه شیعیان رخ داده مربوط به برگزاری مراسم وفات پیامبر اسلام (ص) بوده که در ۲۰ فوریه ۲۰۰۹ رخ داد. هنگامی که بسیاری از شیعیان ناحیه شرقیه به همراه زنان و کودکان خود در مسجد النبی به سر می‌بردند مأموران به آنها حمله نموده و چندین تن از آنان را بازداشت کردند. افراد بازداشت شده تاکنون آزاد نشده‌اند. (the

(committee for the defens of human rights in the Arabian Peninsula.2009)

تبعیض‌های قضایی نیز به نحو شکننده و آزاردهنده‌ای ادامه دارد. به لحاظ حقوقی شیعیان حق شهادت دادن در دادگاه را ندارند. (فولر، ۱۳۸۴: ۲۶۵) در سال‌های اخیر و حتی پس از یازده سپتامبر باید به عزل قضات شیعی از مناصب خود اشاره داشت. منابع رسانه‌ای در عربستان سعودی اعلام کردند شیخ «عبدالرسول بیابی» قاضی دادگاه شرعی شیعیان اثنی عشری عربستان سعودی به دستور «محمد آل‌شیخ» وزیر دادگستری این کشور، از سمت خود برکنار شد. چنین اقدامی برای سومین بار در این کشور صورت می‌گیرد.

در پایان بیان تبعیض‌ها علیه شیعیان باید به این نکته از گزارش کمیته بین‌المللی بحران اشاره کنیم. این کمیته این‌گونه گزارش خود را به پایان می‌رساند. «از همه اینها سخت‌تر دخالت در حوزه خصوصی شیعیان توسط سنی‌ها بوده است. مستند کردن این تبعیض‌ها نسبت به شیعه کار دشواری است اما به طور کلی می‌توان بیان نمود که این‌گونه تبعیض‌ها سبب پدید آمدن شرایط دشوار اجتماعی و فقر برای شیعیان شده است به خصوص برای آن دسته از شیعیان که در مشاغل رسمی حضور دارند.» (Crisis Group, 2005)

با توجه به ناکارآمدی خط‌مشی جریان اصلاحیه در ایجاد فضای مناسب برای شیعیان، شیعیان به چند گروه تقسیم شده‌اند. از مهم‌ترین این گروه‌ها می‌توان به: جریان حزب‌الله، شیعیان لیبرال، سنت‌گرایان مخالف ورود به مسائل سیاسی و گروه‌های شیعی معارض خارج از عربستان اشاره نمود.

۲-۳. اصلاحات تحت تأثیر عوامل خارجی

حملات یازده سپتامبر، سرآغاز فصلی نوین در نظام بین‌الملل بود. این حادثه با رخدادهایی همچون پایان جنگ جهانی دوم، فروپاشی شوروی و اتمام جنگ سرد قابل قیاس است. نظم نوین جهانی که پس از فروپاشی شوروی به وقوع پیوسته بود با این

حادثه تکمیل شد و ایالات متحده در صدد برآمد سیطره و تسلط خود را بیش از پیش بر صحنه جهانی غالب کند. اشغال دو کشور از کشورهای اسلامی به وسیله امریکا و تأثیر حضور امریکا در منطقه بر روند دموکراتیک کردن کشورهای منطقه و در نتیجه تحول در جامعه شیعیان خلیج فارس و به خصوص شیعیان عربستان از مهم‌ترین این تحولات بوده است.

ایالات متحده در یک نگاه خواهان ایجاد دموکراسی در عربستان سعودی بود و از نگاه دیگر از برقراری یک دموکراسی حتی ناقص نیز در این کشور واهمه داشت. بزرگ‌ترین نقطه همکاری اعراب و به خصوص اعراب خلیج فارس با امریکا، همکاری آنها در مقابله با جمهوری اسلامی ایران بوده است. بدین ترتیب همراهی شورای همکاری خلیج فارس و امریکا با عراق در حمله به ایران و همکاری عربستان به عنوان مهم‌ترین کشور عربی مسلمان و امریکا در تأسیس طالبان دو حلقه اتصال سیاست خارجی آنها را نشان می‌دهد. اما در عربستان وضعیت سیاسی و اجتماعی به گونه‌ای دیگر متحول شد. به صورت کلی عربستان خاستگاه دو تفکر دینی و سیاسی بوده که یکی در همراهی با سیاست‌های دنیای غرب و دیگری در نقطه مقابل غرب قرار داشته است. در این برهه زمانی (پس از یازده سپتامبر) نگاه تقابل گرا با غرب به دفاع از آنانی پرداخت که امریکا آنها را تروریسم می‌دانست. از همین نقطه شکاف بین دو نهاد دینی و سیاسی در عربستان رخ نمود. تا پیش از این حوادث روحانیون وهابی یاورانی خوب برای خاندان سعودی در اجرای مسائل سیاسی و مذهبی بودند. اما با آغاز حمله به افغانستان و از بین بردن دولت سنی در عراق و به علت فشار وارده به یاران و پیروان متعصب و معتقد وهابیت توسط امریکا، بسیاری از آنان به مواضع ضد امریکایی کشیده شده‌اند و این مواضع آثار خود را در روابط سران سعودی و امریکا بر جا گذاشت. (محمدی، ۱۳۸۲: ۱۵۰) با توجه به همین موارد است که یازده سپتامبر تحولات خود را بر بدنه سیاسی و اجتماعی دنیای اسلامی - عربی برجای گذاشت. شاید مهم‌ترین این تأثیرات در عربستان قابل مشاهده باشد.

۱. فضا و محیط ضد امریکایی در تمام گرایش‌های اعتقادی اعم از شیعه و سنی سطره یافت.

۲. گرایشات فکری سکولار - روشنفکر که حامیان سیاست‌های امریکا در کشورهای خود بودند در انزوا قرار گرفتند.

۳. اما مهم‌تر از همه بحث دولت‌ها بوده است. دولت‌های محافظه‌کار عربی زیر فشار دوجانبه از سوی امریکا برای پیوستن به جبهه امریکایی‌ها و از سوی دیگر زیر فشار گروه‌های اجتماعی به‌ویژه سنتی اسلامی برای مقابله با امریکا و حمایت از اسلام‌گرایان قرار گرفتند. این دوگانگی و تعارض در کشورهای اسلامی و به‌صورت خاص عربستان را تحت تأثیر قرار داده است. (محمدی، ۱۳۸۲: ۱۵۱)

از جمله مهم‌ترین تحولات خاورمیانه در دهه گذشته سقوط صدام توسط امریکا و روی کار آمدن دولت و مجلسی با اکثریت شیعی بود. این تغییر مهم بیش از حوادث مربوط به افغانستان سیاست داخلی کشورهای عرب را تحت‌الشعاع خود قرار داد. ۱۱ سپتامبر فرصت لازم را برای عملی ساختن طرح‌های دیرینه امریکا در راستای تحت کنترل در آوردن ثروت عظیم نفت عراق فراهم آورد. وزارت امور خارجه امریکا در گزارشی که در سال ۱۹۴۵ منتشر ساخت این ثروت عظیم را که بخش عمده‌ای از ثروت‌های منطقه خلیج فارس را تشکیل می‌دهند به‌عنوان منبع عظیم استراتژیک و یکی از بزرگ‌ترین موهبت‌های مادی جهان توصیف نموده است. در اختیار داشتن این منابع گسترده انرژی، توان قدرت اقتصادی و نظامی امریکا را بسیار افزایش خواهد داد، در نتیجه قدرت استراتژیک به اهرم کنترل جهان تبدیل خواهد شد. (چامسکی، ۱۳۸۱: ۱۶۷)

اشغال عراق و متعاقب آن بنیان‌گذاری یک نظام سیاسی جدید که از تجربه کافی در عراق برخوردار نبوده، نخستین گام در اجرای استراتژی ایالات متحده امریکا مبنی بر طرح دموکراسی‌سازی در خاورمیانه محسوب می‌شود. نظامی که با مؤلفه‌های دموکراسی قاعدتاً می‌بایست اکثریت مظلوم و مهاجر مردم عراق یعنی شیعیان را بر مصدر امور بنشانند و حقوق اقلیت‌های دیگر را محترم بشمارد. (یوسفی، ۱۳۸۶: ۵) با

این حال شیعیان در عراق کم کم به خواسته‌های خود می‌رسیدند و رو به صعود می‌رفتند و البته همه اینها در کنار نقش مهم یک قدرت منطقه به نام جمهوری اسلامی ایران بود. احیای مجدد شیعه با افزایش روز افزون قدرت ایران به صورت درهم تنیده‌ای اجتناب‌ناپذیر می‌نمود. (Nasr, 2006: 212)

همین روند در سایر نقاط خاورمیانه نیز در حال اجرا بود و شیعیان در کویت و بحرین توانسته بودند تا اقتداری بهتر از آنچه در گذشته داشتند به دست آورند. در لبنان نیز اقتدار حزب‌الله بعد از جنگ سی و سه روز غیرقابل انکار بود. در بحرین نیز وضعیت بدین‌گونه بود که از سال ۱۹۷۰ که این جزیره کوچک توانست استقلال خود را به دست آورد تاکنون یک اقلیت کوچک سنی بر ۷۰ درصد جمعیت این کشور که شیعه هستند حکمرانی نموده‌اند. شیعیان به صورت مداوم به انجام کودتا متهم شده‌اند. شیعیان بحرین همواره عکس‌هایی را از مراجع مذهبی نجف و دو رهبر ایران در منازل و مغازهای خود نصب می‌نمودند. هنگامی که در جولای ۲۰۰۵ یک روزنامه بحرینی توهینی به (آیت‌الله) خامنه‌ای رهبر ایران نمود، جمعیت انبوهی از شیعیان در خیابان‌های منامه اقدام به برگزاری تظاهرات نمودند. تظاهرکنندگان خشمگین خواستار برپایی نهادهای دموکراتیک شدند و این پس از آن رخ می‌داد که آیت‌الله سیستانی در عراق اعلام نموده بود هر نفر یک رأی و نتایج انتخابات ۳۰ ژوئن به نفع شیعیان عراق رقم خورده بود. (Nasr ۲۰۰۶: ۲۳۶)

دو کشور نخست پس از سقوط بغداد تلاش‌هایی در راستای دموکراتیزه کردن جوامع خود آغاز نمودند و انتخابات مجلس هم در کویت و هم در بحرین برگزار شد و در نتیجه به خصوص در بحرین شیعیان توانستند موفقیت‌های خوبی را با کسب کرسی‌ها به دست آورند. شیعیان عربستان از روی کار آمدن احزاب و دولت‌های شیعی در منطقه به عنوان گسترش افق شیعه یاد نموده و نسبت به آن ابراز خرسندی می‌نمایند. شیخ عبدالعظیم الحسین در گفت‌وگو با نگارنده در اشاره به این مسأله و واکنش دولت سعودی اظهار داشت: «مسائل شیعه در تمام دنیا به یکدیگر مرتبط بوده و هر اتفاقی

برای این گروه بیافتد برای پیروان این مذهب در سایر کشورها نیز روی خواهد داد. روی کار آمدن دولت شیعی در عراق و ترفیع جایگاه حزب الله در لبنان سلباً و ایجاباً بر شیعیان عربستان نیز اثرگذار بوده است. سعودی نیز از تشکیل هلال شیعی واهمه دارد. هنگامی که در همسایگی دولت وهابی دو دولت شیعی در رأس امور قرار می‌گیرد طبیعی است که افق نگاه وسیع‌تری پیش‌روی شیعیان عربستان قرار خواهد گرفت، از همین روست که دولت برای انصراف اندیشه شیعیان نسبت به امور سیاسی آنها را درگیر امور جزئی همچون بستن و گشودن مساجد، دستگیری رهبران و شیوخ و از این دست مسائل آنها را از همراهی با شیعیان منطقه برحذر دارند.^۱

۱-۲-۳. اصلاحات امریکایی به سبک سعودی و مواضع شیعیان

همان‌گونه که پیشتر ذکر شد انجام برخی از امور اصلاحی در فضای سیاسی و اجتماعی عربستان یا با فشار گروه‌های ذی نفوذ در این کشور بوده است و یا معلول سیاست‌های منطقه‌ای و جهانی و مهم‌تر از همه سیاست‌های امریکا بوده است. اهمیت این کشور تامین‌کننده منافع سیاسی و اقتصادی برای امریکا بسیار زیاد می‌باشد. «یکی از عواملی که باعث افزایش اهمیت عربستان برای امریکا گردیده است، رشد بنیادگرایی از نوع طالبان و القاعده بوده که در کشوری که مرکز و نقطه ثقل سیاست خارجی امریکا در خلیج فارس است، رو به رشد می‌باشد.» ایالات متحده این بار برخلاف عراق و افغانستان به عربستان حمله نظامی نکرده اما شیوه‌ای دیگر را در پیش گرفته است. دو هدف امریکا بر این مبناست که از راه همکاری با دولت سعودی از طریق هنجارسازی‌های دموکراتیک، معرفی ایده انتخابات، ارتقای موقعیت زنان، گسترده نمودن آموزش و پرورش و توزیع عادلانه ثروت نفتی، ریشه‌های بنیادگرایی را در این کشور بخشکاند. (دهشیر، ۱۳۸۵: ۳۸۰-۳۷۹) در سال ۲۰۰۴ جورج بوش خواهان اجرای «استراتژی آزادی در خاورمیانه» شد. بوش البته با احتیاط کوشید فشار رسمی به عربستان وارد نیاورد و در عین حال این کشور را به

۱. مصاحبه نگارنده با شیخ عبد العظیم الحسین از معارضین شیعی سعودی. ۱۳۸۹/۳/۱۲

برگزاری انتخابات محلی ترغیب نمود. (یوسفی: ۱۳۸۶: ۳۳)

منطقه به لحاظ ایدئولوژیکی برای امریکا امن نیست و این ضروری می‌سازد که این کشور برای تحقق امنیت ایدئولوژیک خود در خاورمیانه عربستان را در تحول هدایت شده از بالا مساعدت نماید. هنجارهای مطلوب امریکایی باید نهادینه گردند تا صحنه تعادل را بازیگران دولتی و غیردولتی قابل ترسیم گردد بدین روی امریکا در وهله نخست در صدد نهادینه کردن نظم امریکایی در خاورمیانه و به موازات آن تسهیل فرایند تحول در بطن عربستان است. (دهشیار، ۱۳۸۵: ۳۷۹)

در این راستا عربستان باید از گروه‌ها و فعالیت‌های بنیادگرایانه دست برداشته و اندک اندک قدم در راه تحول موردنظر ایالات متحده نهاد. این امر خود موجب بروز شکاف بین دو نهاد سیاسی و مذهبی در سعودی شده است. انتخابات شورای شهر با محافظه‌کاری فراوان و برای نخستین بار در عربستان سعودی در سال ۲۰۰۵ برگزار شد. از سوی دیگر سقوط بغداد کشورهای عربی و به‌ویژه عربستان را با دو چالش جدی مواجه ساخت. چالش نخست نظم جدیدی بود که ایالات متحده با عنوان دموکراسی‌سازی و فرایند انجام اصلاحات سیاسی در این کشورها دنبال می‌کرد. چالش دوم که عمدتاً به مسائل داخلی آنها مربوط می‌شد وجود اکثریت یا اقلیت شیعه بوده است. شیعیان در بحرین اکثریت، در کویت نزدیک به ۴۰٪ و در عربستان نیز اقلیتی کوچک اما تأثیرگذاری را تشکیل می‌دادند.

از جهتی عربستان خوشحال بود که صدام حسین سقوط نموده است چرا که صدام نسبت به خاک این کشور هم مطامع ارضی داشت. اما از آن جهت که با روی کار آمدن حکومت شیعی، عراق از دست اهل سنت خارج می‌شد ناراحت بود. عربستان از قدرت گرفتن شیعیان در عراق نگران بوده است و آن را تهدیدی علیه غنی‌ترین کشور جهان در حوزه انرژی یعنی خود می‌دانست چرا که دولت عراق اقلیت شیعه این کشور را تحریک خواهد نمود تا با دولت عربستان به مخالفت برخیزد. شاهزده طلال اعلام نموده است «اگر بیداری جامعه شیعیان عراق هرچه زودتر مهار نشود تبدیل به یک

بمب ساعتی روز شمار مانند انقلاب اسلامی ایران خواهد شد که تمام منطقه را زیر و رو خواهد نمود. طلال مدعی شد که ایران ۱۴ سال پس از اتمام جنگ با عراق به این کشور وارد شده است اما این بار به دست خود شیعیان عراق تمام جنوب این کشور را تصاحب نموده است. (ولدانی، ۱۳۸۸: ۹۹) همزمان با فشارهای آشکار امریکایی‌ها در جهت احیای دموکراسی در افغانستان و عراق و فعالیت‌های نه چندان جدی آنان در راستای تحقق دموکراسی و اصلاحات سیاسی در عربستان، گروه‌های داخلی نیز از این فرصت استفاده نموده و خواسته‌های خود را مطرح ساختند. عبدالعزیز قاسم یک قاضی اصلاح طلب در عربستان اعلام نمود که «تحولات سپتامبر شور و شوق جدیدی در جامعه برانگیخت. این شور دو وجه داشت وجه نخست گسترش روحیه ای بود که از بن لادن استقبال می‌کرد. و وجه دوم مطالبات برای اصلاحات به منظور ممانعت از بدتر شدن اوضاع بود.» (یوسفی، ۱۳۸۶: ۳۴)

در انجام این اصلاحات همه گروه‌های اصلاح طلب لیبرال، اسلام‌گراها و شیعیان هم رأی و هم عقیده شدند. در این میان شیعیان دو نحله شدند. جریان نجف به نمایندگی صفار و جریان قم به نمایندگی افرادی که همچنان با حکومت سعودی مخالفت می‌ورزیدند.

آنچه در عربستان به عنوان ایده مشترک همه گروه‌های اصلاح طلب شده است: حکومت زور، فساد، سوء مدیریت، توزیع نامناسب ثروت و برقراری عدالت اجتماعی است و در عین حال همه خواستار حفظ وجود دینی و اسلامی کشور هستند.» (یوسفی، ۱۳۸۶: ۳۹-۴۰) اما خواسته های شیعیان اندکی متفاوت است و آنهم اینکه آنها خواهان به رسمیت شناخته شدن مذهبشان هستند و در پی آن حقوق دیگرشان را برآورده خواهند کرد. امری که تاکنون نیز به وقوع نپیوسته است. پیشینه تمامی حرکت‌های اصلاح طلب در عربستان به دهه ۱۹۷۰ میلادی بر می‌گردد که طی آن گروه‌های اصلاح طلب خواهان انجام تغییراتی در نحوه مدیریت کشور و نگرش به غرب شدند.

با این وجود توسط ملک عبدالله گفت‌وگوهای ملی پس از اشغال عراق برگزار شد و در آن شیعیان توانستند خواسته‌های خود را تنها بیان نمایند. ریشه این گفت‌وگوها به اوایل دهه ۱۹۹۰ بر می‌گشت. این نشست‌ها که تنها سه ماه پس از اشغال عراق برگزار می‌شد، متأثر از فضای قدرت گرفتن شیعه در عراق بود. شیعیان عربستان که به نمایندگی از آنها شیخ صفار در این نشست شرکت می‌کرد احساس جسارت بیشتری نموده و خواهان پایان بخشیدن به تبعیض و اعلام صریح و رسمی احترام به همه فرقه اسلامی شدند. برخی از شرکت‌کنندگان سنی، شیعیان حجاز را متهم به همکاری با شیعیان عراق نمودند. در کنار این نشست عبدالله اعلام کرد که لازم است تا کنفرانسی جهت تفاهم بین شیعه و سنی برقرار شود. این کنفرانس حاوی تسامح مذهبی بود اما در عمل رهبران شیعی چیزی از تغییر مشاهده نکردند. (یوسفی، ۱۳۸۶: ۱۵۱) از سوی دیگر جریان مخالف صفار موج انتقاد علیه وی را به راه انداخت و صفار را به بهانه اینکه دولت سعودی هرگز رسمیت شیعه را نخواهد پذیرفت مورد اعتراض قرار دادند. سازمان‌هایی همچون حزب‌الله سعودی، تجمع علمای حجاز از این دست بودند. (نصر، ۱۳۸۷: ۱۴۵)

پس از حمله آمریکا به عراق برخی از شیعیان عربستان به امید اینکه این تحولات موجب فشار بر حکومت سعودی برای انجام اصلاحات خواهد شد به انتظار نشستند. در مقابل برخی نیز بر این باور بودند که گسترش قدرت شیعه باعث فشار بیشتر به آنها خواهد شد. به همین منظور بود که دسته‌ای از شیعیان در خلال جنگ آمریکا و عراق بیانیه‌ای را با عنوان یاران ملت به منتشر نموده و در آن به وفاداری نسبت به کشور خود تأکید نمودند و در عین حال خواهان ایجاد اصلاحات و برهم زدن گفتمان مقابله شدند. لازم به ذکر است که این‌گونه اقدامات منجر به رفع تبعیض‌ها علیه شیعیان نشد. به‌عنوان مثال دولت در قبال بیانیه‌ای که با عنوان پادشاهی مشروطه بیان شده بود پاسخی کوبنده داده و سه تن از رهبران اصلی شیعه که حامیان برنامه اصلاح ملی بودند را دستگیر کرد. (کاظمی دینان، ۱۳۸۸: ۱۷۸-۱۷۷)

عربستان روند اصلاحات نسبت به شیعیان بسیار نگران‌کننده بود. با وجود همه تحولاتی که در منطقه برای انجام اصلاحات رخ داده است، هیچ‌گونه تحولی در ساختار حکومت سیاسی عربستان و یا تغییری علیه تبعیض‌های موجود نسبت به شیعه حاصل نشده است. با این وجود تنها تغییراتی که در جامعه سعودی رخ داده است، انتخابات شورای شهر بود که آنهم باعث انشقاق در جامعه شیعی شده است. برخی از شیعیان درباره این انتخابات چنین اظهار نظر نموده‌اند:

شیخ محمد عبدالعظیم الحسین در این باره معتقد است «انتخابات شورای شهر نیز از امور بسیار مضحک در عربستان می‌باشد. این انتخابات پنج سال پیش برای نخستین و آخرین بار برگزار شد و تاکنون نیز خبر از تجدید انتخابات نیست. به نظر می‌رسد که دولت تحت فشارهای رخ داده در تحولات جهانی به خصوص یازده سپتامبر دست به چنین اقدامی زده و اکنون با توجه به کاسته شدن فشارها علیه سعودی، این دولت میلی به دوباره برگزار نمودن انتخابات ندارد. اعضای شورای شهر نیمی انتخابی و نیم دیگر انتصابی می‌باشند. در مناطق شیعه‌نشین شرقیه نیز انتخابات به همین منوال برگزار شد.» شیخ عبدالعظیم در مورد حضور شیعیان در این انتخابات چنین اظهار نظر نمود: «تنها جریان آقای صفار یعنی حرکه الاصلاحیه در انتخابات شورای شهر شرکت کرد. علت نیز آن بود که وی و گروهش خود را به حکومت نزدیک می‌دیدند. صفار جمعی را منسجم و سازماندهی نمود و حکومت نیز امکاناتی از قبیل چاپ پوستر و تریبون برای تبلیغات در اختیار آنها قرار داد و در نهایت به پیروزی نیز رسیدند. اما جریان مخالف صفار از شرکت در انتخابات امتناع ورزیدند و معتقد بودند که این انتخابات را دولت به لحاظ تبلیغات منفی علیه شیعه به کار خواهد برد.»^۱

یکی از دیپلمات‌های سابق ایران در ریاض نیز پیرامون نخستین انتخابات شورای شهر در عربستان گفت: «صدها نامزد انتخابات در منطقه شرقیه برای کرسی‌های شوراهای شهر که عمدتاً مسئول نظارت بر بهداشت عمومی حفظ و نگهداری زیر

۱. مصاحبه نگارنده با شیخ عبد العظیم الحسین از معارضین شیعی سعودی. ۱۳۸۹/۳/۱۲

ساخت‌ها جمع‌آوری زباله و دیگر امور مشابه بود ثبت نام کردند. برهه انتخابات همانند مراسم عروسی و شبیه یک بازی و سرگرمی بزرگ بود. مردم یک عطش و آرزوی بزرگ داشتند در نتیجه مشارکت شیعیان نسبت به مناطق دیگر عربستان بالاتر بود. از ۱۲ کرسی اختصاص داده شده به قطف و الاحساء، ۱۱ کرسی به شیعیان تعلق گرفت و از دست رفتن تنها کرسی باقی مانده به خاطر اعلام عدم صلاحیت کاندیدای دوازدهم در آستانه رأی‌گیری بود.^۱ این تنها نتیجه‌ای بوده است که از روند دموکراتیزاسیون در منطقه که توسط ایالات متحده دنبال می‌شد عاید شیعیان عربستان شده است. البته بهبود اوضاع شیعیان در عربستان «نه تنها با برگزاری انتخابات بلکه با ایجاد تغییراتی که در فضای سیاسی توسط حکومت سعودی به انجام خواهد رسید، نیز بهبود خواهد یافت. تدوین قانون اساسی، تقویت نظام مشاوره و عدم تمرکز، افزایش محدود آزادی مطبوعات و اصلاح در نظام قضایی نیز می‌تواند به وضعیت شیعیان کمک کند.» (کاظمی دینان، ۱۳۸۸: ۱۸۵) ملک عبدالله در زمان ولایت عهدی مرکز گفت‌وگوی ملی ملک عبدالعزیز را تأسیس نمود. این مرکز کنفرانس‌هایی را در رابطه با زنان، غیرمسلمانان، و جوانان برگزار می‌نمود. اعضای آن نیز عده‌ای از روشنفکران بودند. با این حال دولت سعودی تاکنون هیچ‌یک از پیشنهادهای مطرح‌شده در این کنفرانس‌ها را عملی ننموده است. هرچند ملک عبدالله نخستین کسی بوده است که در میان اعضای خاندان سلطنتی واژه اصلاح را به کار برده و بسیاری امید داشتند که وی می‌تواند اصلاحاتی را انجام دهد اما ساختار پیچیده تقسیم قدرت که میان اعضای خاندان سلطنتی حاکم است، این فرصت را از اصلاح‌طلبان دریغ نموده است. (ابراهیم، ۱۳۸۶: ۲۹۹)

این تنها نتیجه‌ای بوده است که از روند دموکراسی‌سازی در منطقه که توسط ایالات متحده دنبال می‌شد عاید شیعیان عربستان شده است. البته بهبود اوضاع شیعیان در عربستان «نه تنها با برگزاری انتخابات بلکه با ایجاد تغییراتی که در فضای سیاسی

۱. مصاحبه نگارنده با احمد زاده کارشناس عربستان و دیپلمات سابق ایران در ریاض. ۱۳۸۹/۴/۱

توسط حکومت سعودی به انجام خواهد رسید بهبود خواهد یافت. تدوین قانون اساسی، تقویت نظام مشاوره و عدم تمرکز، افزایش محدود آزادی مطبوعات و اصلاح در نظام قضایی نیز می‌تواند به وضعیت شیعیان کمک کند.» (کاظمی دینان، ۱۳۸۸: ۱۸۵) در پایان باید به نکته مهم اشاره نمود که حتی امریکا نیز چندانی به برقراری یک دموکراسی واقعی و مردمی در عربستان نمی‌بیند. در صورتی که یک دموکراسی واقعی و یا حتی نیمه واقعی نیز در این کشور عربی برقرار شود باز هم نتیجه به نفع خاندان سعودی و ایالات متحده نخواهد بود. همان‌طور که اشاره شد شرایط اجتماعی درون عربستان اکنون در راستای منافع امریکا نیست. بخش عمده‌ای از معتقدان به وهابیت به دنبال همکاری با گروه القاعده هستند. گروه‌های اصلاح طلب و شیعیان نیز هر کدام به دنبال کسب منافع خود می‌باشند. بنابراین در صورت برقراری یک نظام مشروطه سلطنتی و یک انتخابات پارلمانی آزاد قطعاً نمایندگانی از گروه‌های مخالف سیاست‌های کنونی دولت سعودی وجود خواهند داشت که این بار حضورشان مشورتی و تشریفاتی نبوده بلکه یک حضور رسمی و تعیین‌کننده خواهند داشت.

دستاورد

پیروزی انقلاب اسلامی سبب‌ساز اتحاد میان شیعیان مناطق مختلف خاورمیانه شده و این گروه‌ها که سال‌ها تحت حکومت حکمرانان سنی مذهب قرار داشتند به دنبال اثبات هویت خود برآمده و در این راه نیز تلاش‌های فراوانی نمودند. از جمله مهم‌ترین گروه‌های شیعی، شیعیان عربستان بوده که تحت سخت‌ترین شرایط به حیات سیاسی و اجتماعی خود ادامه داده‌اند. تحولات مختلف داخلی و خارجی عربستان بر نحوه موضع‌گیری این اقلیت مهم تأثیر فراوان داشته است. در همین زمینه چند نکته لازم به یادآوری است.

۱. تعارض وهابیت به عنوان خشک‌ترین نوع از تفکر ایجاد شده در جهان اسلام با شیعه به عنوان میراث دار جانشینی پیامبر هیچ‌گاه به پایان نخواهد رسید. در صورتی که

هرگونه نرمشی نسبت به شیعیان در عربستان سعودی رخ دهد، به معنای تغییر در هویت مذهبی و هوایت حاکم بر دولت سعودی نخواهد بود، بلکه در نتیجه تحولات و شرایط جهانی است که بر دولت عربستان فشار وارد خواهد آورد تا در راستای به رسمیت شناختن حقوق شیعیان ابراز علاقه کند. در این صورت باید به این جمع بندی رسید که دولت سعودی از آرمان‌های اولیه بنیان‌گذاران خود فاصله گرفته و نسبت به اندیشه و هوایت سکولاریزم را در پیش گرفته است. رفتار نامتعادل و نابرابر حاکمان سعودی با شیعیان تنها در پهنه تحولات داخلی، منطقه‌ای و جهانی قابل تحلیل و بررسی است نه اینکه یک هویت مستقل و معنادار برای شیعیان در نظر گرفته شود. البته نباید دور از نظر داشته که از ۳۰ سال گذشته تاکنون اقلیت شیعه همواره یکی از بازیگران اصلی در صحنه سیاست داخلی عربستان به شمار آمده است. به نحوی که در دهه ۱۹۸۰ مقابله با اقلیت شیعه به یکی از نگرانی اصلی حکومت سعودی تبدیل شد. در ابتدای دهه ۱۹۹۰ ملک فهد گفت‌وگوهای ملی را با این گروه شیعه از سر گرفت و در سال‌های دهه اول قرن ۲۱ نیز حضور شیعیان در انتخابات شوراهای محلی برای حکومت سعودی از اهمیت خاصی برخوردار بوده است.

۲. از دیگر وقایعی که موجب نگرانی برای دولت سعودی شده و از سوی دیگر خوشنودی شیعیان را در پی داشته است پدیده‌ای است که از نظر حاکمان سنی منطقه هلال شیعی نام گرفته است. هلال شیعی که نخستین بار توسط ملک عبدالله اردنی مطرح شد و منظور کشورهای ایران، عراق و حزب‌الله لبنان بود که همچون یک کمربند از شرق تا غرب خاورمیانه را در بر می‌گرفت و برای حکومت‌های سنی مذهب خطری جدی محسوب می‌شد. در پی همین اتفاقات بود که دولت سعودی یک مجموعه از ملاحظات امنیتی را درون کشورش و در برابر اقلیت شیعه در نظر گرفت. و دقیقاً از همین روست که دولت این کشور به حزب‌الله که یک حزب عربی نیز می‌باشد در جنگ سی و سه روزه هشدار داده و آن را ماجراجو می‌خواند.^۱

۱. مصاحبه با نگارنده با نوروزی، سرکنسول کنونی ایران در جده. ۱۳۸۹/۳/۵

۳. درباره مسائل قضایی عربستان نیز باید اشاره داشت که هر نوع تغییری در نظام قضایی این کشور یا در تدوین قانون اساسی عربستان باید مبتنی بر به رسمیت شناختن شیعیان باشد. درحالی که با توجه به نفوذ و نقش گسترده تفکر وهابی در دولت سعودی مشکل به نظر می‌رسد که این مقبولیت به ثمر بنشیند. در نتیجه شیعه همچنان در عربستان به تنگناهای مختلف گرفتار خواهد بود.

۴. در زمینه برقراری دموکراسی و رسیدگی به حقوق اقلیت‌ها از سوی امریکا، از نقش این کشور در منطقه نباید غفلت نمود. این کشور به‌عنوان متحد استراتژیک عربستان از یک سو و از سوی دیگر به‌عنوان پرچمدار حقوق بشر در دنیا در کدام سوی مقابله شیعیان با حکومت سعودی قرار گرفته است؟

ایالات متحده به خوبی از این نکته آگاه است که اگر در عربستان یک انتخابات آزاد برگزار شود به احتمال قوی اثری از خاندان سعودی برجای نخواهد ماند. بدین دلیل که جامعه عربستان و علمای وهابی به‌عنوان مبلغان ایدئولوژی وهابی نسبت به جهادی‌ها، افراطیون مبارز، القاعده و به‌خصوص بن لادن رغبت ویژه نشان داده‌اند. این تمایلات با حمله امریکا به افغانستان، و جایگزینی دولت سنی مذهب با یک دولت شیعی در عراق فزونی یافته و از بن لادن و همراهانش مجموعه‌ای که فقط برای خدا قیام کرده و در مبارزه با مشرکان هستند یاد می‌شود. علمای وهابی از مواضع ضد بن لادنی حکومت شان ناراضی هستند و جوانان کشورشان را برای جهاد همراه با سلفی‌ها به عراق اعزام می‌کنند.

بسیاری از شیعیان عربستان نیز دارای تفکری ضد امریکایی هستند. امریکا خیزش شیعی در منطقه خاورمیانه را مشاهده نموده است. موج اول تحرک شیعی که سه دهه پیش با انقلاب اسلامی به پیروزی رسیده بود، در آستانه ورود به هزاره سوم سراسر خاورمیانه را تحت تأثیر خود قرار داده و دوستان عرب و نزدیک ایالات متحده را به واهمه انداخته است. حزب الله لبنان، دولت شیعی در عراق، ورود نمایندگان شیعه به پارلمان‌های کویت، بحرین و افغانستان از این جمله‌اند. طبیعی است که قدرت گرفتن

شیعیان در عربستان بهتر می‌تواند در تقویت هلال شیعی نقش بازی کند و در نتیجه منافع آمریکا را با خطر مواجه سازد. در همین زمینه می‌توان به نشست ژنرال‌های امریکایی در سال ۲۰۰۳ اشاره کرد. آنها در مورد شیعیان خاورمیانه ونحوه تعامل آنها با جمهوری اسلامی ایران مباحث گسترده‌ای را داشتند که درباره شیعیان هر منطقه به نتایج متفاوتی دست یافتند. این دسته از ژنرال‌ها درباره شیعیان ساکن در مناطق نفت‌خیز سعودی نیز به این نتیجه رسیدند که تنها راه ممکن درگیر کردن آنها با اهل سنت این کشور می‌باشد تا توان خود را صرف مبارزه با این گروه کرده و در نهایت از توجه به ایران باز داشته شوند. آنها همچنین به مقامات امریکایی توصیه کردند تا از اختلافات بین حاکمان ایران و عربستان و نیز تبلیغات منفی درباره اظهارات بنیانگذار انقلاب اسلامی ایران، مبنی بر شایسته نبودن سران عربستان سعودی، برای بزرگ جلوه دادن خطر ایران استفاده کنند. (برنابلداجی، ۱۳۸۲)

پس تنها گزینه موجود برای آمریکا و عربستان در قبال شیعیان استفاده از گروه‌هایی از شیعیان است که در ستیز با دولت سعودی نمی‌باشند. حرکت اصلاحیه شیخ الصفار بهترین گزینه است. این حرکت با پشت سر گذاشتن دوران انقلابی به مذاکره و چانه زنی با حکومت بر سر مسائل سیاسی و اجتماعی رسیده است. عربستان با اهداء کمک‌ها به جریان صفار در انتخابات شوراهاى ۲۰۰۵ و در حاشیه قرار دادن سایر گروه‌های شیعی و استفاده تبلیغاتی از این موضوع، استفاده از این گزینه را عملی ساخت. اما اینکه تا چه اندازه دو طرف بتوانند و یا میل به همکاری داشته باشند، باید منتظر گذر زمان و تحولات آینده جهان و منطقه شد. در پایان از ذکر این نکته نباید غفلت کرد که هرگونه نزدیکی دولت سعودی به اقلیت‌هایی مانند شیعیان متأثر از سیاست کلان آمریکا درباره حقوق بشر است البته با توجه به حساسیت جایگاه عربستان در تعاملات آمریکا. ❖

منابع

- ابراهیم، فواد، ۱۳۸۶، *شیعیان عربستان*، سلیمه دارمی، فیروزه میررضوی، تهران: ابرار معاصر.
- ابراهیم، فواد، ۱۳۸۷، *شیعیان در جهان عرب مدرن: عربستان سعودی*، رضا سیمبر، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- اسدی، بیژن، ۱۳۸۱، *خلیج فارس و مسائل آن*، تهران: سمت.
- برنابلداچی، سیروس، ۱۳۸۲، «هلال شیعی و ژئوپلیتیک خاورمیانه»، *پگاه حوزه*، مهر، شماره ۱۹۲.
- جعفری ولدانی، اصغر، ۱۳۸۸، *چالش‌ها و منازعات در خاورمیانه*، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- جعفریان، رسول، ۱۳۸۸، *اطلس شیعه*، تهران: سازمان جغرافیای نیروهای مسلح.
- چامسکی، نوام، ۱۳۸۱، ۱۱ سپتامبر و حمله آمریکا به عراق، *بهورز جندقی*، تهران: عصر رسانه.
- حاجی یوسفی، امیرمحمد و احمد سلطانی نژاد، ۱۳۸۷، *پیامدهای منطقه‌ای ناشی از احیای شیعی در عراق*، تهران: وزارت امور خارجه.
- حسن، حمزه، ۲۰۱۰، *الشیعه فی مملکه العربیه السعودیه*، بیروت: البقیع لاحیاء التراث.
- دهشیار، حسین، ۱۳۸۵، *سیاست خارجی آمریکا در آسیا*، تهران: مؤسسه بین‌المللی ابرار معاصر.
- فولر، گراهام، ۱۳۸۴، *شیعیان عرب مسلمانان فراموش شده*، قم: مؤسسه شیعه‌شناسی.
- کاظمی دینان، سید مرتضی، ۱۳۸۸، *علل خیزش شیعیان حاشیه خلیج فارس*، قم: مؤسسه شیعه‌شناسی.
- محرمی، غلامحسین، ۱۳۸۲، *تاریخ تشیع از آغاز تا پایان غیبت صغری*، قم: مؤسسه پژوهشی امام خمینی.
- محمدی، منوچهر، ۱۳۸۲، *استراتژی نظامی آمریکا بعد از ۱۱ سپتامبر*، تهران: سروش.
- مصاحبه نگارنده با احمدزاده دیپلمات سابق ایرن در ریاض. ۱۳۸۹/۴/۱.
- مصاحبه نگارنده با حجه‌الاسلام صفدری. مدیر اعزام مبلغین بعثه معظم رهبری در سازمان حج و زیارت. ۱۳۸۹/۳/۹.
- مصاحبه نگارنده با حسن خاک رند کارشناس شیعیان حوزه خلیج فارس. ۱۳۸۹/۳/۷.

مصاحبه نگارنده با ربانی مدیر کل عربی و افریقای مجمع جهانی اهل بیت. ۱۳۸۹/۳/۷.

مصاحبه نگارنده با زکی میلاد سردبیر مجله شیعی الکلمه در عربستان. ۱۳۸۷/۱۲/۱۸.

مصاحبه نگارنده با سید علی موسوی معارض شیعی سعودی. ۱۳۸۹/۳/۱۲.

مصاحبه نگارنده با شیخ عبدالعظیم معارض شیعی سعودی. ۱۳۸۹/۳/۱۲.

مصاحبه نگارنده با نوروزی سرکنسول فعلی ایرن در جدّه. ۱۳۸۹/۳/۵.

یوسفی، محسن، ۱۳۸۶، *اصلاحات سیاسی در عربستان سعودی*، تهران: ابرار معاصر.

<http://www.daneshjuir.com/forum/archive/t-50854.html> (آخرین بازدید ۱۳۸۹/۴/۲)

The committee for the defens of human rights in the Arabian Peninsula, 2009

The Shiite Question In Saudi Arabia, 2005, *Crisis Group Middle East Report*, available at: www.crisisgroup.org/~media/Files/Middle%20East%20North%20Africa/Iran%20Gulf/Saudi%20Arabia/The%20Shiite%20Question%20in%20Saudi%20Arabia.ashx

Vali Nasr, 2006, *The Shia Revival*, New York: Norton & Company.

www.shiitewrold.com.